

## عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی استان تهران

سید محمود حسینی، سیدجمال فرجاله حسینی و محمدرضا سلیمانپور<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور مطالعه عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان کشاورزی استان تهران انجام گرفته است. جامعه آماری این مطالعه شامل ۱۴۲۵ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در سه دانشکده کشاورزی استان تهران در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ می‌باشند. با بکارگیری روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، ۲۶۰ نفر بعنوان نمونه مطالعه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بود که روایی آن بوسیله جمعی از متخصصان تأیید گردید و پایایی آن با محاسبه از طریق ضریب کرونباخ آلفا، ۰/۸۴ برآورد شد. نتایج این تحقیق در خصوص تأثیرگذاری ۱۵ متغیر مورد مطالعه بر کارآفرینی دانشجویان نشان داد که آموزش‌های فوق برنامه مرتبط با مهارت‌های شغلی، روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه و محتوای مناسب دروس دانشگاهی از مهم‌ترین عوامل می‌باشند. بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون، تأثیرگذارترین متغیر در کارآفرینی دانشجویان نظام آموزش عالی کشاورزی روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه است. در این تحلیل رگرسیون، شش متغیر آموزش‌های فوق برنامه مرتبط با مهارت‌های شغلی، روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه، محتوای مناسب دروس دانشگاهی، دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی، برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه، در مجموع توانستند ۵۷/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را تبیین نمایند. در انتها نیز به منظور بهبود شرایط فعلی پیشنهادهایی در جهت افزایش کارآفرینی در بین دانشجویان رشته‌های کشاورزی مطرح شده است.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، مهارت‌های شغلی، آموزش کارآفرینی، آموزش عالی کشاورزی.

۱- به ترتیب دانشیار پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران و دانشیار و دانشجوی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران. (m\_soleimanpour@yahoo.com)

## مقدمه

کارآفرینی در سازمان‌های خود و آموزش خلاقیت و کارآفرینی دست به اقدامات اساسی زده‌اند و برخی از آنها مثل کشور ژاپن به موفقیت‌های چشم‌گیری نیز دست یافته‌اند. فرهنگ کارآفرینی، فرهنگی است انعطاف‌پذیر که در آن هنجارها و باورهایی مورد تأیید قرار می‌گیرند و یا تقویت می‌شوند تا بتوان بدان وسیله علائم موجود در محیط را شناسایی و تفسیر کرد و بر اساس آنها واکنش مناسب از خود نشان داد (His rich & Peters, 2005).

تغییرات اقتصادی در شرایط نوین به طرق مختلف بر ماهیت مهارت‌های مورد نیاز بازار کار تأثیر گذاشته و می‌گذارد. بررسی ویژگی‌های اقتصادی در یک جامعه علمی و آگاهی یافتن از شرایط و نیازمندی‌های شغلی آن به سیاست‌گذاران آموزش عالی کمک می‌کند که به رعایت تناسب برنامه‌های آموزشی دانشگاه‌ها با آن شرایط بیشتر توجه کنند. جامعه جدید از نظر نیروی انسانی به افرادی نیاز دارد که علاوه بر داشتن تخصص لازم، با دارا بودن روحیه‌ای انعطاف‌پذیر و مشارکت‌جویانه در پذیرش مسئولیت‌های متنوع پیشقدم و به طور پیوسته در فرآیند آموزش مادام‌العمر در بهبود توانایی‌های خود کوشا باشند. در چنین شرایطی که به دلیل تغییرات سریع تکنولوژیک و تحولات اقتصادی، امکان پیش‌بینی تغییرات بازار کار وجود ندارد، ضرورت هماهنگی مستمر بین نظام آموزشی به طور کلی و بازار کار بیش از پیش محسوس است (Brown & Lauder, 1992).

از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد بررسی نقش اقتصادی نظام آموزشی به طور عام و نظام آموزش عالی به طور ویژه و تأکید بر تحکیم روابط این نظام با بنگاه‌های اقتصادی خالی از مخاطره نیست و همواره لبه تیز انتقاداتی را به خود معطوف ساخته است، زیرا حداقل برای تعدادی از دانشگاهیان تأکید بر این امر به منزله نوعی ضدیت با عقل‌گرایی تلقی می‌شود که در راستای حذف آزادی علمی است و با هدف معطوف و محدود کردن آموزش عالی به آموزش دانشجویان و آماده ساختن آنان صرفاً برای فرصت‌های شغلی صورت می‌گیرد، در صورتی که آموزش عالی از نظر آنان فقط برای شکوفایی فکری دانش‌آموختگان تلاش می‌کند (Harvey, 1999).

اشتغال فارغ‌التحصیلان یکی از مسائلی است که همواره مورد توجه برنامه‌ریزان آموزشی کشورهای مختلف بوده است. این بذل توجه هم به لحاظ اهمیت بازار کار به عنوان مرکز ثقل اقتصادی است و هم به لحاظ نقش‌های اجتماعی می‌باشد که به فارغ‌التحصیلان برای نیل به اهداف توسعه کشور محول می‌شود. نظام آموزشی کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان این نظام از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور آموزشی کشور است. در این میان فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی بخش عمده‌ای از دانش‌آموختگان بیکار را تشکیل می‌دهند. جلالی (۱۳۸۳) در پژوهش خود بیان می‌دارد که صرفاً یک سوم دانش‌آموختگان کشاورزی مشغول به کار هستند و بقیه جزو بیکاران جامعه محسوب می‌شوند. در بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۳ بیشترین درصد شاغلین دانش‌آموخته آموزش عالی در بخش خدمات با ۲۴/۵ درصد حضور داشته‌اند. صنعت با ۳/۸ درصد و کشاورزی با ۱/۹ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند (آقاسی زاده، ۱۳۸۴). یکی از دلایل نرخ پائین اشتغال در بخش کشاورزی، گرایش دانش‌آموختگان این بخش به اشتغال در سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی است. به عقیده زمانی‌پور (۱۳۸۶)، استخدام فارغ‌التحصیلان کشاورزی توسط دولت آسان‌ترین راه حل جهت اشتغال آنها می‌باشد که با تمایلات، روش زندگی و آرزوهای فارغ‌التحصیلان نیز همخوانی دارد و گویی فارغ‌التحصیلان واجد شرایط کامل جهت انجام کارهای دولتی بوده و هستند.

از سوی دیگر، اشتغال فارغ‌التحصیلان دیگر به صورت یک موضوع ساده کاریابی مطرح نیست، چون دانشی که دانشجویان طی دوره آموزشی خود کسب می‌کنند، به سرعت کهنه و قدیمی می‌شود. در چنین شرایطی، آموزش عالی باید رویکردی اتخاذ نماید که ضمن ارائه دانش جدید، کارآفرینی را نیز در دانشجویان نهادینه کند. مطالعات انجام شده در کشورهای آسیایی نیز بیانگر این واقعیت است که بسیاری از کشورهای آسیایی مثل ژاپن، چین، مالزی و سنگاپور از سالها پیش جهت ایجاد فرهنگ

تبدیل دانشگاه سنتی به یک دانشگاه کارآفرین ضروری دانسته است. همچنین گالوی و همکاران (Gallowy et al., 2005) در پژوهش خود دریافتند که آموزش کارآفرینی در افزایش خلاقیت و اعتماد به نفس دانشجویان و نیز مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی آنها تأثیر دارد.

جهانگیری (۱۳۸۳) در تحقیقی پیرامون نقش نظام آموزش عالی در توسعه کارآفرینی اظهار می‌دارد برای ایجاد تغییرات لازم در یک مرکز آموزش عالی به منظور حرکت به سوی کارآفرین‌گرایی به مواردی مثل تغییرات ساختاری، تغییر نظام و محتوای برنامه‌های آموزشی، تغییر فرهنگ اعضای مرکز آموزش عالی و ترویج فرهنگ کارآفرینی نیاز است. عزیزی و حسینی (۱۳۸۴) بکارگیری روش‌های توسعه آموزش کارآفرینی در مراکز آموزش عالی کشاورزی را در افزایش مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان رشته‌های کشاورزی مؤثر برشمردند و در این جهت انطباق محتوای برنامه آموزشی با نیاز بازار کار و تناسب سرفصل دروس آموزش عالی با مقوله کارآفرینی را مورد تأکید قرار دادند. برادران و صالحی (۱۳۸۴) در مطالعه خود بر آموزش کارآفرینی در جهت تحقق اهداف آموزش کشاورزی که کسب مهارت‌های مورد نیاز و اشتغال دانش‌آموختگان از مهم‌ترین آنهاست، تأکید نموده‌اند.

با توجه به مطالعات فوق‌الذکر، آنچه حائز اهمیت می‌باشد عواملی است که در نظام آموزش عالی کشاورزی منجر به تقویت کارآفرینی دانشجویان می‌گردد. بنابراین مطلوب است نظام آموزش عالی کشاورزی کشور مورد مطالعه‌ای دقیق و جامع قرار گیرد تا با شناخت بیشتر این عوامل، مسیر تحقق کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی هموارتر گردد و بدین سبب بتوان پلی بین مراکز آموزش عالی کشاورزی و بازار کار ایجاد نمود. لذا مطالعه حاضر به منظور بررسی عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی در استان تهران انجام گرفته است و اهداف اختصاصی ذیل را دنبال می‌کند:

- شناسایی ویژگی‌های فردی، شغلی و تحصیلی دانشجویان کارشناسی‌ارشد کشاورزی

شهبازی و علی‌بیگی (۱۳۸۵) در تحقیق خود پیرامون شایستگی‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به عرصه اشتغال، وجود شایستگی حل مسئله را از عوامل مؤثر در این زمینه برشمردند. این قابلیت که به تشخیص مسایل و حل آنها با اندیشه کل‌نگر، خلاق و مبتکر اشاره دارد و به خلاقیت و نوآفرینی منجر می‌گردد، در نظام آموزش عالی قابل اکتساب است. برخی از محققان واحدهای کارورزی و کارآموزی در آموزش عالی کشاورزی را در این زمینه مؤثر می‌دانند. به عقیده آنها، این دوره‌ها فرصتی ارزشمند برای یادگیری تجربی و مهارت‌آموزی به شمار می‌رود. کارآموزی نوعی بهره‌گیری از فرصت‌های یادگیری در جامعه است و دانشجویان کشاورزی را با واقعیات محیط کار و جامعه آشنا می‌سازد و به توسعه بنیه خلاقیت، مسئله‌گشایی، نوآوری و کارآفرینی آنها کمک می‌کند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۷).

به طور کلی تحقیقات اخیر بر اهمیت و اثربخشی برنامه‌های آموزشی که با هدف پرورش کارآفرینی برگزار می‌گردد تأکید می‌کند (Anderson & Jack, 2001). امروزه آموزش کارآفرینی نقش مؤثری در افزایش آگاهی نسبت به ماهیت و اهمیت کارآفرینی (Hill & Cinneide, 2001)، تغییر نگرش (McVie, 2001) و مهارت‌های کسب و کار (Leitch & Harrison, 2001) ایفا می‌کند. آموزش بطور مثبتی بر دیدگاه کارآفرین نسبت به امنیت شغلی و جایگاه اجتماعی، فرصت برای کسب درآمد و آگاهی از فضای اقتصادی تأثیر می‌گذارد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان در خصوص ذاتی یا اکتسابی بودن کارآفرینی پس از گذراندن دوره‌های آموزش کارآفرینی به نحو مطلوب به سمت اکتسابی بودن کارآفرینی تغییر می‌کند (Turnbull et al., 2001).

جونز و انگلیش (Jones & English, 2005) طی مطالعه خود اظهار داشته‌اند که با آموزش کارآفرینی می‌توان اعتماد به نفس و دانش و مهارت دانشجویان را افزایش و آنها را برای راه‌اندازی کسب و کار توانمند ساخت. چمبرز (Chambers, 2002) در مطالعه خود بازنگری در برنامه‌ها، محتوای درسی و برگزاری دوره‌های آموزشی برای گروه‌های مختلف آموزشی مراکز آموزش عالی را به منظور

محیطی، امکانات آموزشی و ... می‌باشد. متغیر وابسته نیز میزان کارآفرینی در دانشجویان کارشناسی ارشد کشاورزی است که مقادیر آن بر مبنای ویژگی‌های کارآفرینی که از تحقیقات هنری و همکاران (Henry et al., 2003)، هیستریچ و پیترز (His rich & Peters, 2005)، احمدپور داریانی (۱۳۸۵)، جعفرزاده (۱۳۸۴) استخراج شده است محاسبه گردید. ابزار گردآوری داده‌ها در این مطالعه پرسشنامه‌ای بوده است که با توجه به اهداف تحقیق طراحی شد. به منظور تعیین قابلیت اعتماد ابزار تحقیق، آزمون مقدماتی از طریق تکمیل ۳۰ پرسشنامه بوسیله دانشجویان کارشناسی ارشد کشاورزی به عمل آمد و برای هر بخش از پرسشنامه به طور مجزا ضریب کرونباخ آلفا محاسبه گردید. بر اساس نتایج این آزمون و ضریب بدست آمده، برخی از سؤالات حذف و در برخی دیگر تغییراتی به عمل آمد. در نهایت ضریب کرونباخ آلفا ۰/۸۴ محاسبه شد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار تحقیق می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. در بخش توصیفی با استفاده از آماره‌هایی نظیر فراوانی، میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته شده است. در بخش استنباطی نیز برای تعیین رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از ضریب همبستگی اسپیرمن و به منظور تبیین میزان اهمیت و نقش متغیرها در پیش‌بینی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

- اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان در شرایط کنونی و وضعیت مطلوب
- اولویت‌بندی دروس دانشگاهی بر مبنای تأثیرشان بر کارآفرینی دانشجویان در شرایط کنونی و وضعیت مطلوب
- تحلیل رگرسیونی اثرات عوامل مختلف دانشگاهی بر کارآفرینی دانشجویان کارشناسی ارشد

### روش پژوهش

تحقیق حاضر کاربردی و از نوع توصیفی-پیمایشی می‌باشد که در قالب اصول کلی روش علی-ارتباطی انجام گرفته است. جامعه آماری این مطالعه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۶-۸۷ در دانشکده‌های کشاورزی استان تهران می‌باشند. از بین دانشکده‌های کشاورزی استان تهران، سه دانشکده مربوط به دانشگاه آزاد (واحد علوم و تحقیقات تهران)، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه تهران مورد مطالعه قرار گرفتند که در مجموع دارای ۱۴۲۵ دانشجوی شاغل به تحصیل بوده‌اند. در مطالعه حاضر حجم نمونه بر اساس واریانس محاسبه شده و با استفاده از فرمول کوکران ۲۶۰ نفر تخمین زده شد که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب در بین دانشکده‌ها و نمونه‌گیری تصادفی در داخل دانشکده‌ها انتخاب شدند (جدول ۱).

متغیرهای مستقل این تحقیق شامل کلیه عواملی است که پتانسیل تأثیرگذاری بر کارآفرینی دانشجویان رشته‌های کشاورزی را دارند. این متغیرها که از مطالعات گوناگون استخراج شده‌اند، دربرگیرنده رویکردهای آموزشی، شرایط

جدول ۱- حجم نمونه به تفکیک دانشکده‌های کشاورزی مورد مطالعه

دانشکده کشاورزی	تعداد دانشجو	درصد جامعه	حجم نمونه
دانشگاه آزاد (علوم و تحقیقات)	۶۲۷	۴۴٪	۱۱۴
دانشگاه تربیت مدرس	۳۰۰	۲۱٪	۵۵
دانشگاه تهران	۴۹۸	۳۵٪	۹۱
جمع	۱۴۲۵	۱۰۰٪	۲۶۰

## نتایج و بحث

مطلوب ارزیابی نمودند. نتایج مطالعه پزشکی‌راد و همکاران (۱۳۸۶) نیز حاکی از ارتباط زیاد شغل و رشته تحصیلی دانش‌آموختگان مورد مطالعه بوده است.

در این پژوهش عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان در دو وضعیت موجود و وضعیت مطلوب از دیدگاه خود دانشجویان مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج جدول ۳ حاکی از آن است که در وضعیت موجود آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی، روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه، محتوای مناسب دروس دانشگاهی و برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان از شرایط بهتر و مناسب‌تری نسبت به سایر موارد آموزشی برای تأثیرگذاری بر کارآفرینی دانشجویان برخوردار می‌باشند. ضمن این که در وضعیت مطلوب و ایده‌آل نیز همین گویه‌ها به عنوان موارد آموزشی مؤثرتر در کارآفرینی دانشجویان مطرح شدند. با این تفاوت که با توجه به فاصله بین سایر میانگین‌ها و نیز ضریب تغییرات، میزان اثربخشی این گویه‌ها در وضعیت موجود تا میزان مطلوب فاصله زیادی داشته و نیاز به توجه و رسیدگی بیشتری دارد. برخی از یافته‌های مطالعات اسکندری (۱۳۸۴)، جعفرزاده (۱۳۸۴) و کوراتکو (Kuratko, 2004) این نتایج را تأیید می‌کند. به طوری که تعدادی از این متغیرها در تحقیقات مذکور نیز به عنوان عوامل مؤثر در خوداشتغالی و کارآفرینی افراد مطرح شده است.

بر مبنای نتایج بدست آمده، سن دانشجویان مورد مطالعه در تحقیق حاضر بطور متوسط ۲۵ سال می‌باشد که با توجه به انحراف معیار ۳/۹ نشانگر پراکندگی نسبتاً بالای متغیر سن در بین دانشجویان کارشناسی‌ارشد رشته‌های کشاورزی می‌باشد. در خصوص وضعیت جنسیت، ۵۱/۶ درصد از دانشجویان مورد مطالعه مرد و ۴۸/۴ درصد زن هستند. از نظر وضعیت تأهل، تنها ۱۹/۲ درصد از دانشجویان مورد مطالعه متأهل هستند و بقیه مجرد می‌باشند.

بر اساس یافته‌های حاصله در خصوص وضعیت اشتغال دانشجویان کارشناسی‌ارشد کشاورزی، حدود ۳۴ درصد از دانشجویان در فاصله پایان مقطع کارشناسی تا ورود به مقطع کارشناسی‌ارشد بصورت تمام‌وقت و پاره‌وقت شاغل بوده‌اند. در حالیکه مطابق اطلاعات مندرج در جدول ۲، تعداد شاغلین پس از ورود به مقطع کارشناسی‌ارشد به ۲۸/۱ درصد کاهش یافت. این یافته‌ها دلالت بر این دارند که بیش از نیمی از دانشجویان مقطع کارشناسی‌ارشد کشاورزی بدون زمینه شغلی وارد این مقطع شدند و در فاصله بین مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد بیکار بودند. ضمن اینکه ۶۱/۴ درصد از دانشجویان شاغل ارتباط شغل سابق با رشته تحصیلی خود را مطلوب ارزیابی کردند. همچنین در مورد ارتباط شغل فعلی با رشته تحصیلی ۶۶/۷ درصد از دانشجویان شاغل، این ارتباط را

جدول ۲- توزیع فراوانی دانشجویان مورد مطالعه بر اساس وضعیت اشتغال

وضعیت فعلی			فاصله بین دو مقطع		
درصد	فراوانی	وضعیت اشتغال	درصد	فراوانی	وضعیت اشتغال
۱۵/۸	۴۱	شاغل تمام‌وقت	۱۵/۳	۴۰	شاغل تمام‌وقت
۱۲/۳	۳۲	شاغل پاره‌وقت	۱۸/۵	۴۸	شاغل پاره‌وقت
۷۱/۹	۱۸۷	بیکار	۶۶/۲	۱۷۲	بیکار
۱۰۰	۲۶۰	جمع	۱۰۰	۲۶۰	جمع

جدول ۳- رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار دانشگاهی بر کارآفرینی دانشجویان (۱ تا ۱۰)

شرایط کنونی			عوامل موثر بر کارآفرینی	وضعیت مطلوب		
رتبه	میانگین	انحراف استاندارد		رتبه	میانگین	انحراف استاندارد
۱	۲/۳۷	۶/۰۸	آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی	۳	۱/۹۷	۸/۲۶
۲	۲/۱۳	۵/۷۵	روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه	۲	۲/۱۱	۸/۲۷
۳	۲/۳۶	۵/۵۷	محتوای مناسب دروس دانشگاهی	۱	۲/۰۲	۸/۲۹
۴	۲/۲۴	۵/۲۵	برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان	۴	۲/۳۸	۸/۱۳
۵	۲/۵۴	۵/۲۳	دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی	۱۰	۲/۳۱	۷/۵۹
۶	۲/۲۷	۵/۱۲	استفاده از مشارکت دانشجویان در مباحث درسی	۸	۲/۳۳	۷/۹۸
۷	۲/۵۸	۴/۸۴	وجود اساتید مجرب و کارآمد در دانشگاه	۱۲	۲/۳۷	۷/۴۵
۸	۲/۲۲	۴/۸۱	جو و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه	۵	۲/۱۵	۸/۱۱
۹	۲/۵۵	۴/۷۸	انطباق دروس با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک	۹	۲/۱۹	۷/۶۶
۱۰	۲/۵۷	۴/۶۳	محیط خوابگاهی پویا و خلاق	۶	۲/۲۱	۸/۰۲
۱۱	۲/۴۸	۴/۳۳	تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی دانشگاه	۷	۲/۴۱	۸/۰۱
۱۲	۲/۴۱	۴/۲۶	سمینارها و گردش‌های علمی در دانشگاه	۱۳	۲/۳۸	۷/۳۲
۱۳	۲/۴۵	۳/۹۲	ارزشیابی‌های مستمر و منظم از دانشجویان	۱۱	۲/۱۹	۷/۵۱
۱۴	۲/۲۸	۳/۷۴	قبولی در کنکور و ورود به دانشگاه	۱۴	۲/۲۹	۷/۲۸
۱۵	۲/۱۷	۳/۴۳	امکان دسترسی به فناوری و دانش فنی روز دنیا	۱۵	۲/۰۲	۷/۰۵

نکته قابل توجه در این یافته‌ها، اهمیت بیشتر دروس تخصصی مقطع کارشناسی نسبت به دروس مقطع کارشناسی‌ارشد از دیدگاه پاسخگویان است. عزیزی و حسینی (۱۳۸۴) نیز در خصوص تناسب دروس تخصصی، اصلی و پایه با مقوله کارآفرینی به نتایج مشابه دست یافتند.

نتایج پژوهش حاضر در مورد دروس دانشگاهی و اثرات آنها در کارآفرینی افراد حاکی از آن است که با توجه به جدول ۴، دروس دانشگاهی بر مبنای میزان تأثیرگذاری بر کارآفرینی دانشجویان مورد مطالعه بر حسب اولویت به ترتیب عبارتند از: دروس تخصصی مقطع کارشناسی، دروس مقطع کارشناسی‌ارشد، دروس اصلی مقطع کارشناسی، دروس پایه مقطع کارشناسی و دروس عمومی.

جدول ۴- رتبه بندی دروس دانشگاهی بر اساس تأثیر در کارآفرینی دانشجویان (۱ تا ۱۰)

شرایط کنونی					دروس موثر بر کارآفرینی	وضعیت مطلوب				
رتبه	میانگین	انحراف استاندارد	رتبه	میانگین		انحراف استاندارد	رتبه	میانگین	انحراف استاندارد	
۱	۰/۲۵	۱/۵۶	۶/۱۱	۱	۱/۶۹	۸/۲۹	۲	۰/۲۰	۱/۶۹	
۲	۰/۲۸	۱/۶۷	۵/۷۷	۲	۱/۸۷	۸/۴۱	۱	۰/۲۲	۱/۸۷	
۳	۰/۲۹	۱/۶۲	۵/۴۳	۳	۱/۶۷	۸/۲۶	۳	۰/۲۰	۱/۶۷	
۴	۰/۳۵	۱/۷۳	۴/۹۳	۴	۱/۹۸	۸/۰۳	۴	۰/۲۴	۱/۹۸	
۵	۰/۴۳	۱/۸۵	۴/۲۷	۵	۲/۰۵	۷/۵۷	۵	۰/۲۷	۲/۰۵	

دیگر نتایج نشان می‌دهد که سایر متغیرهای مورد بررسی با تغییرات کارآفرینی دانشجویان رابطه معنی‌داری ندارد. در ادامه به منظور برآورد تأثیر جمعی این عوامل بر متغیر وابسته از رگرسیون گام به گام استفاده شد. این روش در آغاز با مقایسه متغیرهای مستقل مهمترین متغیر را وارد معادله می‌کند. به عبارت دیگر متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد ابتدا وارد معادله می‌شود. این روند تا زمانی ادامه دارد که هیچ متغیر مستقلی توانایی ورود به معادله رگرسیونی را نداشته باشد. در این تحلیل رگرسیون در اولین گام متغیر «روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه» وارد معادله گردید که مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) برابر ۰/۶۳۱ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۳۹۴ به دست آمد. یعنی ۳۹/۴ درصد تغییرات کارآفرینی دانشجویان را این متغیر به تنهایی تبیین می‌نماید. در گام بعد متغیر «محتوای مناسب دروس دانشگاهی» وارد معادله گردید. این متغیر ضریب همبستگی چندگانه را به ۰/۷۰۲ و ضریب تعیین تعدیل شده را به ۰/۴۸۵ افزایش داد. در واقع این متغیر به همراه متغیر اول ۴۸/۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌نمایند.

در این پژوهش با توجه به رتبه‌ای بودن متغیرهای مستقل، به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته «کارآفرینی دانشجویان» از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است. اطلاعات جدول ۵ نشانگر آن است که همبستگی بین عوامل روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه (۰/۳۵۸)، آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی (۰/۳۱۲)، محتوای مناسب دروس دانشگاهی (۰/۳۴۷)، برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان (۰/۲۹۱)، دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی (۰/۲۹۸) و جو و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه (۰/۲۸۲) با کارآفرینی دانشجویان در سطح ۰/۰۱ مثبت و معنی‌دار است. همچنین رابطه بین محیط خوابگاهی پویا و خلاق (۰/۲۲۴)، وجود اساتید مجرب و کارآمد در دانشگاه (۰/۲۱۹)، انطباق دروس با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک (۰/۲۲۲) و میزان استفاده از مشارکت دانشجویان در مباحث درسی (۰/۲۶۲) با متغیر وابسته تحقیق نیز در سطح ۰/۰۵ مثبت و معنی‌دار است. بنابراین می‌توان گفت با بالا رفتن متغیرهای مستقل مذکور کارآفرینی نیز در دانشجویان افزایش خواهد یافت. از سوی

جدول ۵- رابطه بین کارآفرینی دانشجویان با متغیرهای مستقل مورد مطالعه

معنی‌داری P	مقدار r	متغیرهای مستقل
۰/۱۲۹	۰/۱۵۸	ارزشیابی‌های مستمر و منظم از دانشجویان
۰/۰۳۰	۰/۲۲۴*	محیط خوابگاهی پویا و خلاق
۰/۰۰۰	۰/۳۵۸**	روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه
۰/۰۳۴	۰/۲۱۹*	وجود اساتید مجرب و کارآمد در دانشگاه
۰/۰۰۲	۰/۳۱۲**	آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی
۰/۰۳۲	۰/۲۲۲*	انطباق دروس با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژیک
۰/۰۰۱	۰/۳۴۷**	محتوای مناسب دروس دانشگاهی
۰/۰۰۵	۰/۲۹۱**	برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان
۰/۴۲۶	۰/۰۸۳	قبولی در کنکور و ورود به دانشگاه
۰/۰۰۳	۰/۲۹۸**	دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی
۰/۰۵۷	۰/۱۹۷	تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های آموزشی دانشگاه
۰/۱۵۲	۰/۱۴۹	امکان دسترسی به فناوری و دانش فنی روز دنیا
۰/۰۵۸	۰/۱۹۶	سمینارها و گردش‌های علمی در دانشگاه
۰/۰۰۶	۰/۲۸۲**	جو و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه
۰/۰۱۱	۰/۲۶۲*	استفاده از مشارکت دانشجویان در مباحث درسی

\*\*معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ \* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

$$Y = 3/601 + 0/479X_1 + 0/463X_2 + 0/262X_3 + 0/237X_4 + 0/270X_5 + 0/183X_6$$

ضمن اینکه نگاره ۱ نشانگر اهمیت عوامل مؤثر در متغیر وابسته و میزان تأثیر هر یک از متغیرها بر اساس مقادیر بتا (Beta) می‌باشد، با توجه به اینکه بتا مقداری استاندارد شده است، می‌تواند تعیین‌کننده اهمیت نسبی و نقش متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته باشد. بدین ترتیب متغیر «روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه» با بیشترین مقدار بتا مؤثرترین عامل در تبیین تغییرات متغیر وابسته تحقیق است (جدول ۷). برخی نتایج بدست آمده در پژوهش‌های عزیزی و حسینی (۱۳۸۴) و چمبرز (Chambers, 2002) نیز با این یافته‌ها مطابقت دارند. به طوری که در مطالعه اول محتوی مناسب برنامه‌های آموزشی دانشگاه و در مطالعه دوم آموزش خلاقانه از عوامل تأثیرگذار در کارآفرینی دانشجویان محسوب شدند و نتایج این تحقیق را تأیید می‌کنند.

به همین ترتیب در گام‌های بعد به ترتیب متغیرهای «آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی»، «دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی»، «برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان» و «جو و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه» وارد معادله شدند که مطابق جدول ۶ این متغیرها در مجموع ضریب همبستگی چندگانه را به ۰/۷۷۱ و ضریب تعیین تعدیل شده را به ۰/۵۷۷ افزایش دادند.

نتایج این تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل دارای همبستگی معنی‌دار، تنها شش متغیر فوق‌الذکر در معادله باقی ماندند. این شش متغیر در مجموع توانایی تبیین ۵۷/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته تحقیق را دارند. سایر تغییرات مربوط به عواملی می‌باشد که در این تحقیق مورد مطالعه قرار نگرفته است. با توجه به نتایج به دست آمده، معادله خطی حاصل از رگرسیون به صورت زیر است:

جدول ۶- ضرایب تعیین متغیرهای تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان

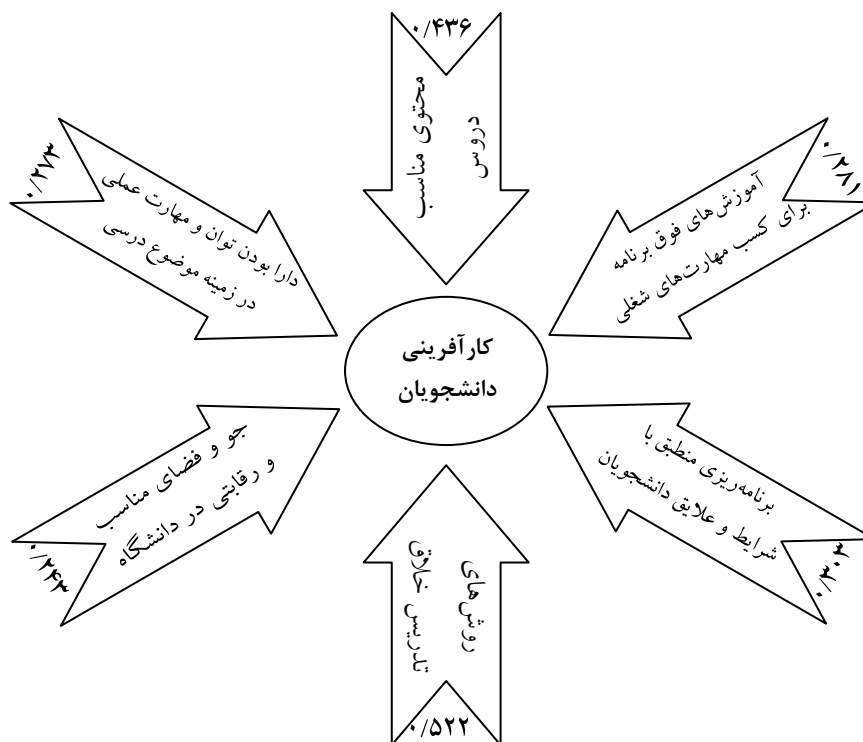
گام	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R <sup>2</sup> )	ضریب تعیین تعدیل شده (Ad.R <sup>2</sup> )
۱	۰/۶۳۱	۰/۳۹۸	۰/۳۹۴
۲	۰/۷۰۲	۰/۴۹۲	۰/۴۸۵
۳	۰/۷۱۸	۰/۵۱۶	۰/۵۰۵
۴	۰/۷۴۲	۰/۵۵۱	۰/۵۳۷
۵	۰/۷۵۵	۰/۵۷۰	۰/۵۵۴
۶	۰/۷۷۱	۰/۵۹۵	۰/۵۷۷

جدول ۷- مقدار تأثیر متغیرهای مستقل در کارآفرینی دانشجویان

متغیرهای مستقل	B	انحراف معیار	Beta	t	معنی‌داری
عدد ثابت	۳/۶۰۱	۰/۴۶۱	—	۷/۸۱۹	۰/۰۰۰
روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه	۰/۴۷۹	۰/۰۷۰	۰/۵۲۲	۶/۸۶۵	۰/۰۰۰
محتوای مناسب دروس دانشگاهی	۰/۴۶۳	۰/۰۶۴	۰/۴۳۶	۷/۱۹۲	۰/۰۰۰
آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی	۰/۲۶۲	۰/۰۷۶	۰/۲۸۱	۳/۴۲۸	۰/۰۰۱
دارا بودن توان و مهارت عملی در زمینه موضوع درسی	۰/۲۳۷	۰/۰۷۱	۰/۲۷۳	۳/۳۳۲	۰/۰۰۱
برنامه‌ریزی منطبق با شرایط و علایق دانشجویان	۰/۲۷۰	۰/۰۷۳	۰/۳۰۳	۳/۶۹۶	۰/۰۰۰
جو و فضای مناسب و رقابتی در دانشگاه	۰/۱۸۳	۰/۰۶۴	۰/۲۴۳	۲/۸۵۹	۰/۰۰۵



## نگاره ۱- عوامل دانشگاهی تاثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان



خلاق در دانشگاه و محتوای مناسب دروس دانشگاهی دارای تأثیرگذاری بیشتری بر کارآفرینی دانشجویان می‌باشند. لذا ضروری است با توجه بیشتر و تقویت این عوامل، میزان اثربخشی آنها را به شرایط مطلوب نزدیک نمود. در این راستا پیشنهاد می‌گردد با برنامه‌ریزی دقیق، دوره‌هایی را به منظور آموزش قابلیت‌های شغلی به صورت فوق‌العاده برگزار کرد تا از آن طریق، دانشجویان ضمن آشنایی با آینده شغلی، مهارت‌های لازم در این زمینه را نیز کسب نمایند. علاوه بر این، توصیه می‌شود ضمن تجدید نظر در محتوای دروس رشته‌های کشاورزی در جهت هماهنگی بیشتر با نیازهای بازار کار، به روش‌های نوین تدریس به منظور پرورش تفکر خلاق در دانشجویان توجه ویژه‌ای گردد.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص دروس دانشگاهی و اثرات آنها در کارآفرینی دانشجویان نشانگر آن است که دروس تخصصی مقطع کارشناسی و دروس مقطع کارشناسی‌ارشد از تأثیرگذاری نسبی بیشتری در قبال کارآفرینی دانشجویان کشاورزی برخوردارند. البته این

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به تحولات سریع و شگرف علم و فناوری در دنیا و جهانی شدن اقتصاد به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری برای حضور مؤثر و کارآمد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها در بازار کار، علاوه بر اینکه می‌تواند موجب علمی شدن فعالیت‌ها و مشاغل و استفاده بهینه از امکانات و منابع گردد، توان کارآفرینی را نیز در فارغ‌التحصیلان افزایش می‌دهد. نتایج این مطالعه که به منظور بررسی عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان کشاورزی انجام گرفت، نشان می‌دهد بیش از نیمی از دانشجویان مقطع کارشناسی‌ارشد کشاورزی بدون زمینه شغلی وارد این مقطع شدند و در فاصله بین مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد بیکار بودند. البته از بین دانشجویان شاغل، اغلب آنها ارتباط شغل با رشته تحصیلی خود را مطلوب ارزیابی کردند.

بر اساس نتایج بدست آمده پیرامون رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان، در شرایط فعلی نظام آموزش عالی کشاورزی عواملی مثل آموزش‌های فوق برنامه برای کسب مهارت‌های شغلی، روش‌های تدریس

است که بیشترین نقش را در تبیین تغییرات کارآفرینی دانشجویان دارد و خود به تنهایی حدود ۴۰ درصد از این تغییرات را تبیین می‌نماید. لذا توجه به روش‌های نوین تدریس و بکارگیری سبک‌های آموزشی خلاقانه در قالب برنامه‌های آموزشی دانشگاهی توصیه می‌گردد. ضمناً آشنایی، نگرش و مهارت اساتید دانشگاهی در زمینه روش‌های تدریس خلاق نیز از عواملی است که وجود آن در جهت کاربرد اثربخش این روش‌ها در دانشگاه‌ها ضروری می‌باشد. بنابراین پیشنهاد می‌گردد هر ساله دوره‌های آموزشی به منظور ارتقاء دانش و مهارت آموزشگران دانشگاهی در خصوص شیوه‌های نوین تدریس و چگونگی بکارگیری این روش‌ها در شرایط مختلف برگزار شود.

نتایج دلالت بر مطلوبیت مطلق سرفصل‌ها در این دروس نداشته و همانطور که قبلاً ذکر شد رشد کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی مستلزم بهبود و اصلاح محتوی فعلی دروس دانشگاهی است. ضمن اینکه بر اساس این یافته‌ها، ضعف دروس پایه و اصلی در مقطع کارشناسی در خصوص تأثیرگذاری بر کارآفرینی دانشجویان بیش از پیش روشن می‌گردد و لزوم تغییرات جدی در مباحث این دروس آشکارتر می‌شود.

همچنین مطابق نتایج حاصله از تحلیل رگرسیون، از بین ده متغیری که با کارآفرینی دانشجویان دارای رابطه معنی‌دار بود تنها شش متغیر در معادله باقی ماندند. بر این اساس، روش‌های تدریس خلاق در دانشگاه عاملی

#### منابع مورد استفاده

- آقاسی‌زاده، ف. (۱۳۸۳). اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی: الزامات و راهکارها. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، آبان ماه ۱۳۸۳، تهران.
- احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۵). کارآفرینی (تعاریف، نظریات، الگوها). تهران: انتشارات پردیس.
- اسکندری، ف. (۱۳۸۴). بررسی راهکارهای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران. رساله دکتری رشته ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران.
- برادران، م. و صالحی، س. (۱۳۸۴). راههای بکارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی. مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. اسفندماه ۱۳۸۴.
- پزشکی‌راد، غ.، محتشم، ح. ر. و فعلی، س. (۱۳۸۶). ارزیابی کیفیت رشته ترویج و آموزش کشاورزی از دیدگاه دانش‌آموختگان دانشگاه تربیت مدرس. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۳، شماره ۱، ص ۱۴۰ - ۱۳۱.
- جعفر زاده، م. (۱۳۸۴). طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی. رساله دکتری در رشته مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
- جلالی، خ. (۱۳۸۳). متن سخنرانی در اولین همایش نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، مرداد ماه ۱۳۸۳.
- جهانگیری، ع. (۱۳۸۳). نقش آموزش‌های علمی کاربردی در توسعه کارآفرینی. سومین کنگره ملی آموزش‌های عالی علمی کاربردی، تهران: آذرماه ۸۳.
- زمانی‌پور، ا. (۱۳۸۶). آموزش کشاورزی در ایران: آغازی اشتباه و انجامی بی‌سرانجام. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۳، شماره ۱، ص ۱۷۴ - ۱۵۹.
- شهبازی، ا. و علی‌بیگی، ا. (۱۳۸۵). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۲، شماره ۱، ص ۲۴ - ۱۵.
- صادقی، ف.، شریف‌زاده، ا.، موحد موحدی، ح. و مریدالسادات، پ. (۱۳۸۷). بررسی نقاط قوت و ضعف دوره کارآموزی دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۴، شماره ۱، ص ۹۹ - ۱۰۸.

عزیزی، ب.، و حسینی، س. م. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته ترویج و آموزش کشاورزی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

- Anderson, A. R., and Jack, S. L. (2001). *Enterprise and Learning*. Aberdeen, University of Aberdeen.
- Brown, P., and Lauder, H. (1992). *Education for economic survival: From fordism to post fordism?* London: Rutledge.
- Chambers, R. (2002). *Human Capital for Entrepreneurship in Higher Education*. London: Edgar.
- Galloway, L., Anderson, M., Brown, W., and Wilson, L. (2005). Enterprise skills for the economy, *Journal of Education & Training*. 47(1). Pp 7-17.
- Harvey, L. (1999). *New realities: The relationship between higher education and employment*. Key note presentation at the European association of institutional research forum, Lund, Sweden: August 1999.
- Henry, C., Hill, F., and Leitch, C. (2003). *Entrepreneurship Education and Training*. London, Ashgate Publishing Limited.
- Hill, S., and Cinneide, B. O. (2001). Entrepreneurship Education- Case Studies from 'The Celtic Tiger'. In Anderson, A.R. and Jack, S.L. (Eds.), *Enterprise and Learning*. Aberdeen, University of Aberdeen.
- His rich, R., and Peters, M. (2005). *Entrepreneurship (starting, developing and managing new enterprises)*. New York: Mc Grow Hill.
- Jones, C. and English, J. (2005), A contemporary approach to entrepreneurship education. *Journal of Education & Training*. 46(8/9). Pp 416-423.
- Kuratko, D. F. (2004), *Entrepreneurship education: Emerging trends and challenges for the 21 century*, Coleman White Paper Series.
- Leitch, C.M. and Harrison, R.T. (2001). Education and Development. In Anderson, A.R. and Jack, S.L. (Eds.), *Enterprise and Learning*. Aberdeen, University of Aberdeen.
- McVie, G. (2001). Ed (Anderson & Jack) *Scotland's good for Enterprise form Primary to PLC*. Centre for Enterprise Education.
- Turnbull, A., Williams, S., Paddison, A., and Fahad, G. (2001) *Entrepreneurship Education, Does it work?* (Ed. Anderson and Jack) University of Aberdeen, Bank of Scotland.